

## گذری بر اندیشه های آسمانی امام خمینی رحمه الله علیه

### چکیده:

اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) به عنوان معمار و بنیانگذار انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، همواره به مثابه یکی از مهمترین منابع یا شاخص شناخت تفکر انقلاب اسلامی، مورد توجه محققان داخلی و خارجی بوده است؛ از این رو، بررسی و تحلیل اندیشه سیاسی ایشان به عنوان نخستین ولی فقیه و رهبر سیاسی مبسوط الید در جهان اسلام در عصر غیبت، حائز اهمیت و اولویت است.

### چکیده:

اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) به عنوان معمار و بنیانگذار انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، همواره به مثابه یکی از مهمترین منابع یا شاخص شناخت تفکر انقلاب اسلامی، مورد توجه محققان داخلی و خارجی بوده است؛ از این رو، بررسی و تحلیل اندیشه سیاسی ایشان به عنوان نخستین ولی فقیه و رهبر سیاسی مبسوط الید در جهان اسلام در عصر غیبت، حائز اهمیت و اولویت است.

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، قیام و نهضت اسلامی خویش را از نظر فکری، با احیای اندیشه سیاسی اسلام، به ویژه احیای تئوری حکومتی اسلام، آغاز کرد و این در حقیقت، یکی از تفاوت‌های اساسی نهضت بیدارگرانه و حیات بخش امام راحل(ره) با دیگر نهضت‌های اسلامی سده‌های اخیر بوده است و همین تفاوت اساسی، یکی از عوامل مهم موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.

در حالی که از نظر رفتار سیاسی، ایشان در آغاز مبارزات، بر اساس عمل به قدر مقدور، در قالب و چارچوب اصلاح رژیم عمل می‌کرد و از اواخر دهه چهل شمسی بود که وارد گفتمان انقلابی شد و به این نتیجه رسید که لازم است در جهت نفی رژیم سلطنتی و استقرار نظام اسلامی عمل کند. در این مرحله، امام خمینی(ره)، علاوه بر مبارزه برای نفی استعمار و استبداد، به ارائه نظام مند فلسفه سیاسی

اسلام پرداخت و به این دو پرسش اساسی و مهم فلسفه سیاسی که چه کسی باید حکومت کند؟ و چگونه باید حکومت کرد؟ پاسخ‌های صریح و روشنی داد و در عمل نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برای جاری کردن این اندیشه، اهتمام ورزید.

این نوشتار در جهت تبیین مدعای مذکور، سازماندهی شده است.

## مقدمه:

دلایل چندی سبب شده است تا موضوع تطور اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی(ره)، مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. تمسک به بخش‌هایی از تفکر سیاسی امام، به سائقه تحکیم دیدگاه‌های جناحی و یا توجهاتی که از سر نقد و احیاناً تأثیرپذیری از دیدگاهها و نظریات رئالیستی به اندیشه سیاسی ایشان شده است، از مهم ترین این دلایل است. دیدگاه اول، عمدتاً از سوی جناح‌ها و گروه‌های داخل نظام جمهوری اسلامی و دیدگاه دوم، عمدتاً از سوی کسانی که خارج از نظام قرار دارند، مطرح شده است. البته اندک افرادی نیز هستند که گرچه درون نظام قرار دارند، اما در شمار گروه دوم قرار می‌گیرند. گروه سومی هم هستند که سعی دارند منصفانه و با بی طرفی و از سر علم و با تکیه بر روش معتبر به توضیح موضوع ثبات و تحول در اندیشه حضرت امام خمینی(ره) پردازند. اما ادعای نگارنده، این است که هیچ کدام از دیدگاه‌های اول و دوم تاکنون موفق به ارائه توضیح معتبری از اندیشه سیاسی امام و بررسی میزان ثبات یا تحول آن نشده‌اند؛ چنان که تلاش گروه سوم نیز ناکافی بوده است.

فرضیه این نوشتار، این است که اولاً، اندیشه سیاسی امام، دچار تحول شده است؛ ثانیاً، این تحول، مبتنی بر اصول ثابتی بوده است. برخی از آنها عبارتند از: توجه به مقتضیات زمان و مکان و مفاهیمی همچون مصلحت، تکلیف و مکانیزمی چون اجتهاد؛ ثالثاً، این تحول، نه تنها نقطه ضعف اندیشه

سیاسی ایشان نیست، بلکه یکی از مهم ترین نقاط قوت آن بوده و نیز سبب شده که حضرت امام در هر زمان، رفتار سیاسی خویش را به درستی هدایت نماید. اندیشه سیاسی امام در کشف الاسرار و حدود یک دهه بعد از آن، اصلاحی است، اما تحلیل اندیشه و عمل سیاسی امام از دهه چهل به بعد در ذیل اندیشه‌های سیاسی انقلابی، قابل تفسیر است.

فرضیه مذکور، بر پیش فرض‌هایی استوار است. مهم ترین این پیش فرض‌ها عبارتند از:

۱. مشکلات بشر در حوزه سیاست، در بستر زمان نو می‌شود. مشکلات جدید، پاسخ‌های جدیدی نیز می‌طلبند؛

۲. اندیشه سیاسی کارآمد، پاسخی است به مشکلات، نیازها، بحران‌ها و معضلات عصر خویش؛

۳. اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) نیز تلاشی بوده است برای پاسخگویی به مشکلات مردم ایران در درجه اول و مشکلات جهان اسلام و نجات مظلومان و مستضعفان عالم در درجه دوم.

حال به بررسی مفاهیمی چون: دین، سیاست، رابطه دین و سیاست و اندیشه سیاسی می‌پردازیم که فرضیه مذکور با توجه به این برداشت از مفاهیم ذکر شده، فراهم آمده است.

## مفهوم شناسی

• مفهوم دین نظر به این که در این پژوهش، دین اسلام مد نظر بوده است، می‌توانیم آن را در قالب مجموعه‌ای از آرای نظری، آرای ارادی و افعال تعریف کنیم. مقصود از آرای نظری، آرا و اندیشه‌هایی است پیرامون آن دسته از واقعیت‌ها که از حوزه تصرف و اراده انسانی خارج هستند. خداشناسی، فرشته‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، راهنماشناسی و آخرت‌شناسی از مهم ترین این بخش از دین اسلام است. منظور از آرای ارادی، دیدگاهها و اندیشه‌هایی است پیرامون آن چه

انسان باید انجام دهد یا نباید انجام دهد. بایدها و نبایدهای دین در عرصه زندگی اجتماعی، در همین بخش قرار می‌گیرد. مقصود از حوزه افعال هم این است که در دین اسلام، تمام رفتارها در جهتی تنظیم شده است که انسان را در رسیدن به سعادت قصوی یاری نماید.

### ● مفهوم سیاست

فهم درست مفهوم سیاست در فرهنگ اسلامی در گرو فهم وظائف حکومت اسلامی و مقایسه آن با وظائف سایر حکومت‌ها و نیز رسیدن به تمایزات سیاست اسلامی با غیر آن است. به طور کلی می‌توان برداشت‌های مختلفی از سیاست را در مکتب قدرت و مکتب هدایت طبقه بندی کرد. در مکتب قدرت، غایت دولت، امور دنیوی است، اما در مکتب هدایت، غایت دولت، امور اخروی است. در اولی، دنیا مقصد است و در دومی، آخرت، مقصد و دنیا منزلگاه.

مفهوم سیاست، در مکتب هدایت عبارت است از: تلاش انسان‌ها در جهت تحقق قانون الهی در روی زمین، به رهبری انبیاء، اوصیاء و اولیاء جهت نیل به سعادت قصوا. از همین رو سیاست در فرهنگ اسلامی به تدبیر نیز تعبیر شده است.

حضرت امام خمینی(ره) نیز در یک مورد به طور عمومی به تعریف سیاست پرداخته‌اند و در جای دیگر، به طور خاص و از زاویه ارزشی به مقوله سیاست توجه کرده، گونه‌های مختلف آن را ارائه کرده‌اند.

### ● رابطه دین و سیاست

در این مورد لازم است تا تأمل و دقت بیشتری در سخنان امام خمینی(ره) صورت گیرد؛ چرا که ایشان، حتی احکام اخلاقی اسلام را هم سیاسی می‌دانند؛ بر خلاف آن چه عده‌ای پنداشته‌اند. از

نظرگاه امام، چون دین اسلام، هدایت جامعه را در همه شئون آن بر عهده دارد، بنابراین، تماماً سیاسی است. به نظر ایشان، حتی آن جایی که دعوت‌های الهی منحصرأ مربوط به وظایف و روابط شخصی افراد است، باز هم معنایی اجتماعی و سیاسی دارد.

### ● مفهوم اندیشه سیاسی

اندیشه سیاسی عبارت است از کوشش برای تعیین اهدافی که به اندازه معقولی، احتمال تحقق دارد و نیز تعیین ابزارهایی که در حد معقولی می‌توان انتظار داشت موجب دستیابی به آن اهداف بشود.

### ● ماهیت اندیشه سیاسی اسلامی

اندیشه سیاسی اسلام و مسلمانان در جهان معاصر، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. اندیشه تجدید حیات سیاسی در جهان اسلام موجب شد از سویی مؤسسات مطالعاتی در مغرب زمین به بنیادهای فکری سیاسی در میان مسلمانان توجه کنند و از طرف دیگر، محققان مسلمان نیز به ذخایر کهن سیاسی خود نگاهی دوباره بیفکنند. بدیهی است که این پژوهش‌ها و مطالعات، هم سطح نبوده و از نظر روش و محتوا قابل ارزیابی و درجه بندی هستند. هدف از پرداختن به این بحث، این است که نگاه این مطالعات و پژوهش‌ها به ماهیت اندیشه سیاسی اسلامی و طبقه بندی‌هایی که در این باره ارائه داده‌اند، مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا بتوانیم با نگاه روش مندتری به بحث درباره تطور اندیشه سیاسی امام خمینی پردازیم.

این طبقه بندی‌ها از جهتی به دو گروه تقسیم می‌شوند: طبقه بندی‌هایی که به اندیشه سیاسی اسلامی پرداخته‌اند و آنهایی که فقط به اندیشه سیاسی شیعه پرداخته‌اند.

اما آنچه در اینجا نویسنده بدان معتقد است، این که فقط طبقه‌بندی بر اساس هدف و غایت است که می‌تواند نشان‌دهنده ماهیت اندیشه سیاسی اسلامی از جمله اندیشه‌های امام خمینی (ره) باشد. بر پایه این طبقه‌بندی، آثار سیاسی اسلامی به هر مذهب و فرقه‌ای که تعلق داشته باشند، در یکی از طبقات ذیل قرار می‌گیرند:

۱. اندیشه‌های سیاسی انقلابی؛ که در صدد تغییر کامل اوضاع هستند.

۲. اندیشه‌های سیاسی اصلاحی؛ اندیشه‌هایی هستند که از وضع موجود، راضی نبوده، برای رسیدن به وضع مطلوب، ارائه روش می‌کنند.

۳. اندیشه‌های سیاسی مبتنی بر سلطه و استبداد؛ که در صدد توجیه وضع موجود هستند. آنچه می‌توان به عنوان جمع‌بندی در این جا ارائه کرد، این که تطور اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) را می‌توان میان دو گونه اصلاحی و انقلابی تبیین نمود. در حالی که اغلب اندیشه‌های سیاسی علمای شیعه از ماهیتی اصلاحی، در معنای جامعه‌شناختی آن برخوردار است، اندیشه سیاسی امام خمینی از گفتمان اصلاح عبور کرده، دارای ماهیتی انقلابی به معنای جامعه‌شناختی آن شده است.

### **ثبات یا تحول:**

نظریه‌های نظام سیاسی در آثار مکتوب حضرت امام خمینی، ارکان اندیشه ایشان را نشان می‌دهد. همچنین نشان‌دهنده وقوع تنوع و تحول در اندیشه امام است.

## ● نظریه‌های نظام سیاسی در اندیشه امام خمینی:

منابع مهم مطالعه اندیشه سیاسی امام عبارت است از: کشف الاسرار، کتاب البیع، مصاحبه‌ها؛ به ویژه مصاحبه‌هایی که در ایام اقامت در پاریس داشته‌اند و نامه‌ها؛ به خصوص نامه‌هایی که در اواخر عمر مبارک خود صادر کردند.

## ● منطق تحول اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی:

به دو روش می‌توان چرایی تحول اندیشه سیاسی حضرت امام را توضیح داد: یکی به طریق طبقه بندی محتوای اندیشه سیاسی اسلام؛ به عبارت دیگر، استفاده از روش گفتمان سازی در حوزه اندیشه سیاسی و دوم، از طریق فهم مکانیزم اجتهاد در مکتب شیعه و فضای حاکم بر استنباط احکام اسلامی.

بر اساس روش گفتمان سازی، تمامی محتوای اندیشه سیاسی اسلام را که توسط متفکران مسلمان ارائه شده است، می‌توان در سه گفتمان قرار داد: گفتمان تغلب، گفتمان اصلاح و گفتمان انقلاب. تمامی اندیشه‌هایی که در صدد توجیه نظام‌های سیاسی استبدادی بوده‌اند و برای آنها مشروعیت سازی می‌کرده‌اند، تحت عنوان گفتمان تغلب قرار می‌گیرند. آن دسته از اندیشه‌ها که در صدد بهبود بخشیدن به اوضاع سیاسی و اجتماعی را از طرق مسالمت آمیز و تدریجی بوده‌اند، ذیل عنوان گفتمان اصلاح قرار می‌گیرند. اما اندیشه‌هایی که سودای تعویض نظام سیاسی داشته‌اند، سازنده گفتمان انقلاب می‌باشند. بر اساس این روش، اندیشه سیاسی امام، مرکب از گفتمان اصلاح و انقلاب است.

روش دوم توضیح تحول در اندیشه سیاسی امام، توضیح فضایی است که فقها در آن فضا به ارائه نظریات و فتاوی خویشتن می‌پردازند. تمام آن چه در اندیشه حضرت امام آمده است؛ همچون پذیرش سلطنت مشروطه، نظارت فقها و ولایت فقیه، همه موجه و قابل توضیح است؛ چرا که محتوای اسلام از دو دسته مسائل تشکیل شده است: دسته‌ای که ثابت است و از آن با عنوان اصول ثابت یاد می‌کنیم

و مسائلی که متغیرند و در پناه آن اصول ثابت، متناسب با شرایط زمانی و مکانی مختلف جعل می‌شوند.

### ● گذار از اندیشه سیاسی اصلاحی به اندیشه سیاسی انقلابی

همان گونه که پیشتر اشاره شد، در تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی و در طبقه بندی ای که بر پایه اهداف مورد نظر این اندیشه انجام شده باشد، سه نوع اندیشه سیاسی سلطه جویانه، اصلاحی و انقلابی دیده می‌شود.

اندیشه سیاسی حضرت امام و به تبع آن، اقدامات سیاسی وی علیه رژیم پهلوی، در یک مقطع از تاریخ اندیشه و عمل سیاسی ایشان، اصلاحی است. اما ایشان تنها به گفتن اصلاح نمی‌پردازد، بلکه علی‌رغم همه توضیحاتی که درباره همکاری ائمه و علما با سلاطین جائر دارد، دست از این همکاری مصلحت‌اندیشانه می‌کشد و حفظ کشور اسلامی را در گرو حرکتی جدید، که عبارت انقلاب، نفی رژیم سلطنتی و تأسیس حکومت اسلامی است، معنا می‌کند. از این رو، در این نوشتار، تأکید اساسی بر اندیشه انقلابی امام و آسیب‌شناسی انقلابی وی است. در واقع، تحول مهم تاریخ اندیشه سیاسی شیعه که امام خمینی، بانی و عامل آن در دوره معاصر بود، انتقال از تفکر اصلاحی به تفکر انقلابی است.

اندیشه سیاسی امام از مهم‌ترین اندیشه‌های انقلابی - اسلامی است که در دوره معاصر، ارائه و عملی شد. اندیشه سیاسی ایشان در راه گذر از اندیشه‌های اصلاحی به اندیشه‌های انقلابی دچار تحولی تدریجی شد. این همان نقطه قوت اندیشه سیاسی امام است که به کمک شناخت دقیق اوضاع، شرایط و امکانات و با استعانت از اصل پویای تفکر شیعی، یعنی اجتهاد شکل گرفته است. امام با آن که درک عمیقی از اندیشه‌های اصلاحی داشت، اما آنها را برای وضعیت معاصر مناسب ندید. این بود که



با شناخت آسیب‌ها، آفت‌ها و بیماری‌های موجود در جامعه، سیاست ایران، جهان اسلام و حتی نظام بین‌الملل، به ارائه راه حل‌ها، درمان و آفت‌زدایی این مجموعه پرداخت و موفق شد با تشکیل جمهوری اسلامی، راه را برای آفت‌زدایی از مجموعه کشورهای اسلامی و نظام بین‌الملل باز کند.

### ● اصول ثابت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

اندیشه سیاسی منطقی و کارآمد، اندیشه‌ای است که ضمن دارا بودن اصول ثابت، از انعطاف نیز برخوردار باشد. چنان که پیشتر نیز گفته شد، اندیشه سیاسی، دارای ارکانی است که عبارتند از: تعیین اهداف معقول، تعیین و انتخاب ابزارهای لازم برای رسیدن به هدف و منطقی بودن. با توجه به این که مشکلات انسان در عرصه سیاست و زندگی و در بستر زمان، نو می‌شود، و بعضاً شرایط و امکانات نیز، در شرایط یکسانی قرار ندارند، می‌بایست اندیشمند و متفکر سیاسی، متناسب با شرایط و امکانات به تعیین اهداف معقول و تعیین مکانیزم‌های رسیدن به آن اهداف پردازد. به عبارت دیگر، به اصل قدر مقدور و تقدم اهم بر مهم توجه نماید. حال با توجه به این مقدمه، لازم به ذکر است که بخش‌هایی از آراء، افکار و اندیشه‌های امام بر حسب مقتضیات زمان و مکان و شرایط و امکانات و... دچار تغییراتی شده‌اند، اما نکته حائز اهمیت این است که این تغییرات در دایره اصول ثابتی اتفاق افتاده‌اند که در این جا بدانها می‌پردازیم. اصولی که در این جا قابل ارائه است را می‌توان در این موارد فهرست‌بندی کرد:

۱. اصل تکلیف؛ تکلیف‌گرایی و عمل بر اساس تکلیف و وظیفه شرعی و حتی تغییر رفتار به سبب تغییر وظیفه، جایگاه مهمی در فهم اندیشه و عمل سیاسی حضرت امام دارد. ایشان خود تصریح کرده‌اند که تمامی رفتارهای ایشان بر اساس تکلیف بوده است: "ما بنا داریم به تکلیف عمل کنیم" (صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۲۰)

۲. اصل مصلحت اسلام و مسلمین؛ حضرت امام، بارها تأکید کردند که اگر مصلحت اسلام یا مسلمین را در عمل خاصی دیدند، اقدام می‌کنند.

۳. اصل مصلحت مسلمانان؛ اصل حفظ مصلحت جامعه، مصالح کشور و اسلام و در کل، حذف و دفع مفاسد، مورد اهتمام حضرت امام و متجلی در اندیشه سیاسی ایشان بوده است.

۴. اصل دعوت و گسترش اسلام؛ به نظر می‌رسد می‌توان تمامی اقدامات امام را با همین اصل توضیح داد.

۵. اصل نفی سبیل؛ مهم‌ترین موضع‌گیری امام در نفی سلطه خارجی علیه تصویب کاپیتولاسیون بود که سرانجام منجر به تبعید ایشان از ایران شد.

۶. اصل تقدم اهم بر مهم؛ اساسی‌ترین امر مهم که حضرت امام تقدیم آن را بر سایر امور، پیوسته یادآوری می‌فرمودند، حفظ نظام اسلامی در پرتو حفظ وحدت تمامی اقشار جامعه بوده است.

۷. اصل عمل به قدر مقدور؛ روشن است که قدرت، شرط تکلیف است: ((لایکلف الله نفساً الاّ وسعها)) اقدامات امام در چارچوب گفتمان اصلاح و گذر از این گفتمان‌ها به گفتمان انقلاب، با توجه به اصل عمل به قدر مقدور به خوبی قابل توضیح و فهم است.

۸. اصل عدالت؛ عدالت در سطوح مختلف، اصلی پذیرفته شده و لازم‌الرعیه است. تأکید عدالت اجتماعی در فرمایشات امام، جایگاه بسیار مهمی دارد.

۹. اصل ضرورت حکومت؛

۱۰. اصل ولایت الهی؛

۱۱. اصل تدریج؛ اصل تدریجی بودن امور در اندیشه امام مورد تأکید قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که ایشان در جایی به تدریجی بودن امور از نظر قرآن استدلال کرده است: "در قرآن هم کارها به تدریج انجام گرفته است" (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۵).

۱۲. اصل در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان؛ بحث زمان و مکان و شرایط و مناسبات اجتماعی، از عوامل تأثیرگذار بر اندیشه امام بوده است. ایشان در این رابطه می‌فرمایند: "زمان و مکان، دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند" (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۸). و

۱۳. از همه مهمتر، اصل اجتهاد که در واقع، اصل مادر و حاکم و جهت دهنده به همه اصول یادشده است. همچنین ممکن است اصول دیگری نیز وجود داشته باشند.

بنابراین با توجه به مباحث ذکر شده، می‌توان نتیجه گرفت که اندیشه اصلی امام در باب حکومت دینی، تأسیس حکومت ولی فقیه عادل جامع شرایط است؛ چرا که امام بر این مطلب حتی در کشف الاسرار هم به صریح‌ترین وجه تأکید کرده بود؛ به این تعبیر که: «هر چه برای پیغمبر از لازم بودن اطاعت و ولایت و حکومت ثابت است برای آنها (یعنی فقها) هم ثابت است» (کشف الاسرار، ص ۱۸۸). این اندیشه، امام را در ردیف اندیشه پردازان انقلابی قرار می‌دهد.

به هر حال می‌توان امیدوار بود که برخی از مسلمانان در پرتو اندیشه‌های اصلاحی امام به سوی اندیشه‌های انقلابی حرکت کنند. غفلت از اندیشه‌های اصلاحی، ما را به اندیشه‌های انقلابی نخواهد رساند. راه ورود به اندیشه‌های انقلابی، گام زدن به طور همزمان در اندیشه‌های اصلاحی است. کاری که امام خمینی هم در عمل سیاسی و هم در اندیشه سیاسی خویش، توأم آن را به کار بست.

## ● گذار از فقه سیاسی به کلام سیاسی:

در این جا شایسته است به تحول دیگری که در اندیشه سیاسی شیعه در دوره معاصر، با محوریت اندیشه امام خمینی صورت گرفته است و نیز برخی نتایج و بازتاب‌های اندیشه امام اشاره شود.

امام خمینی، تجربه بیش از یک سده شکست و ناکامی مسلمانان در مقابله با جهان‌خواران را به خوبی تحلیل و تبیین کرد. مشکلات و معضلات اساسی را دریافت و در تحلیلی دقیق، شیوه و روشی بدیع در تبیین مسائل فقهی، کلامی و فلسفی-عرفانی اسلام در پیش گرفت؛ در حالی که در این راه، فضای غالب را تفکر جدایی دین از سیاست، گریز از حکومت و بی توجهی به مسائل جهانی و منطقه‌ای تشکیل می‌داد و چه فریادها و دردها که امام از این فضا و محیط داشت. امام خمینی، اندیشه سیاسی اسلام را در وضعیتی دشوار در خلال مباحث فقهی مطرح کرد، اما این گونه نبود که از چارچوب فقه و اصول فقه خارج نشود، بلکه ضرورت ایجاد حکومت اسلامی به رهبری ولی فقیه را در کلام ثابت کرده، آن گاه فقه را با این اندیشه مشروب ساخت.

کاری که امام کرد، این بود که ولایت فقیه را از قلمرو فقه بیرون آورد و آن را به عنوان یک مسئله کلامی مطرح کرد.

به این ترتیب، اندیشه تأسیس حکومت اسلامی از آغاز مبارزات، مورد نظر حضرت امام(ره) بود، ولی اولویت او با ساختن و تربیت عناصر آگاه و یاران همدل بود؛ کاری که در جو آن روز، هم شجاعت می‌خواست و هم نیاز به زمان داشت. فکر تأسیس حکومت اسلامی، اولاً امام و پیروانش را در مقابل نظام ستم شاهی پهلوی قرار می‌داد و ثانیاً مانع از آن می‌شد تا شکست‌هایی مانند آنچه در نهضت مشروطه و غیر آن اتفاق افتاد، دوباره تکرار شود. این همه، در کنار لزوم ارائه یک فلسفه سیاسی در مقابل فلسفه سیاسی نظام حاکم، سبب شد تا از سوی حضرت امام خمینی(ره) در اول بهمن سال

۱۳۴۸ در اثنای بحث فقهی مکاسب، موضوع ولایت فقیه، محور تدریس قرار گیرد. انتشار این درس در قالب کتاب ولایت فقیه و یا حکومت اسلامی و یا عناوین دیگر، مبارزات را وارد مرحله جدیدی کرد و در سطحی وسیع تر، تحول عمیقی در حوزه اندیشه سیاسی اسلام به وجود آورد و زمینه را برای ارائه طرح‌های مختلف در ابعاد حکومتی فراهم آورد.

همان گونه که پیدایش اصل انقلاب اسلامی با احیای اندیشه سیاسی اسلام، توسط رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی انجام شد، استمرار آن نیز با تداوم این امکان پذیر خواهد بود و همچنان که بیداری مردم مسلمان ایران با رهبری دینی امام، آغاز شد، بیداری و قیام مردم خارج از این مرز و بوم نیز با هدایت دینی انجام پذیر است و این همان صدور انقلاب است. بنابراین، صدور انقلاب به معنای پاسخ دادن به سؤال‌های فکری بشر تشنه معارف الهی است. و این چیزی غیر از تداوم، پویایی و بالندگی اندیشه اسلامی به ویژه اندیشه سیاسی اسلام - که امام راحل، احیاگر آن بوده است - نمی‌باشد. از تحولات مهمی که امام، مسبب آن بود، تحول در حوزه فقه بود. ایشان با این که در مورد روش تحصیل و تحقیق در حوزه‌ها معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری بود و تخلف از آن را جایز نمی‌دانست، ولی معتقد بود که این بدان معنا نیست که فقه اسلامی پویا نباشد. بر همین اساس بر نقش دو عنصر زمان و مکان تأکید داشت. و از همه مهم تر این که حکومت را فلسفه عملی تمامی فقه دانست.

### نتیجه گیری:

در این نوشتار در پی چستی اندیشه سیاسی امام و بررسی علل تطور آن بودیم. مفهوم تطور به تحولات اندیشه و عمل سیاسی امام و تفکیک عناصر ثابت از عناصر و آموزه‌های متحول آن اشاره داشته است. برای پاسخ به این پرسش، ناگزیر شدیم پرسش‌های دیگری را به بحث بگذاریم. پرسش

از ماهیت اندیشه سیاسی اسلامی به مثابه پریشی اساسی که می‌توانست ما را برای فهم ماهیت اندیشه سیاسی امام خمینی، مدد برساند، پس از بررسی و کاوش مفاهیم کلیدی از نخستین مباحثی بود که مطرح شد.

سپس گفتیم که می‌توان تمامی محتوای اندیشه سیاسی مسلمانان را در قالب سه گفتمان طبقه بندی کرد. دسته‌ای از اندیشه‌ها از ماهیت اصلاحی برخوردارند. دسته دیگر از ماهیت انقلابی و گروه سوم که از آن با عنوان اندیشه‌های سیاسی سلطه جویانه یاد کردیم. طبقه بندی ماهیتی اندیشه‌های سیاسی اسلامی در سه قالب مذکور، به مثابه چارچوبی نظری، راهنمای تحول و تطور اندیشه سیاسی امام خمینی شد. به کمک چارچوب مذکور توانستیم پاسخ‌های ارائه شده درباره علل تطور اندیشه سیاسی امام خمینی را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. نیز گفتیم که می‌توان بخش‌هایی از اندیشه و به ویژه عمل سیاسی امام تا سال ۱۳۴۸ را در حوزه گفتمان اصلاح قرار داد؛ در حالی که بخش‌های دیگر اندیشه سیاسی امام- که حتی در کشف الاسرار هم وجود دارند و نیز عمل سیاسی ایشان از حدود سال‌های ۱۳۴۸ به بعد- تماماً در حوزه گفتمان انقلابی قرار می‌گیرد.

سپس علاوه بر استفاده از روش تمایز ماهوی اندیشه‌های سیاسی در تحلیل و تبیین تطور اندیشه سیاسی حضرت امام، به منظور تقویت مدعای خود از روش دیگری نیز استفاده کردیم. در روش دوم بر تفکیک دو دسته از عناصر در اندیشه سیاسی امام خمینی تأکید شد. عناصر ثابت به عنوان راهنمای اندیشه و عمل سیاسی و عناصر متغیر به عنوان تاکتیک‌ها و بستری که بر اساس اصول ثابت، زندگی سیاسی را مقدور و معقول می‌سازند تا اهداف به بهترین شکل تأمین شوند. اصولی از قبیل عمل به تکلیف، در نظر گرفتن مصلحت اسلام و مسلمین، دعوت به اسلام، نفی سبیل و مبارزه با هر گونه سلطه، تقدم امور اهم بر مهم، وجوب عمل به قدر مقدور و میزان قدرت و توان، توجه به عدالت در تمامی سطوح فردی، اجتماعی، سیاسی، قضایی و...، تدریجی بودن امور و لزوم توجه به مقتضیات

زمان و مکان به عنوان اصول ثابت، دایره وسیعی از مصادیق متغیر و متنوع را در درون خود قرار می‌دهند. اصل اجتهاد به مثابه اصلی کلیدی و مرجع، عهده دار تنظیم اصلاح مذکور و تعیین تکلیف و وظیفه، متناسب با شرایط زمان و مکان و مقدورات است. توجه به اصل اجتهاد به عنوان اصل حاکم بر تمامی اصول دیگر، نشان دهنده جایگاه رفیع رهبری دینی در اندیشه سیاسی شیعه است.

از اقدامات امام در حوزه اندیشه سیاسی شیعه و بلکه مهم ترین اقدام ایشان، احیای فقه، اجتهاد و رهبری دینی و قرار دادن آن در جایگاه نیابت امام زمان(عج) و ذیل عنوان ولایت فقیه بود. امام خمینی به خوبی توانست بحث رهبری شیعه در عصر غیبت را بسان نبوت و امامت در جایگاه کلامی خود قرار دهد و تمامی اختیارات حکومتی نبی و امام را برای ولی فقیه ثابت نماید؛ چیزی که در لسان امام خمینی از آن به عنوان ولایت مطلقه فقیه یاد می‌شود.

و در خاتمه لازم به ذکر است که اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی، برکات زیادی برای ایران، جهان اسلام و بلکه جهان اسلام و انسان معاصر در گستره گیتی داشته است.

در اندیشه اسلامی، همواره علم و علم آموزی با تهذیب و دینداری همراه بوده است و این، حکایت از تقدس فرایند تعلیم و تربیت دارد. تأکید مکرر قرآن بر تهذیب و تعلیم، دو رسالت بزرگ پیامبران، الگوی روشنی را فراروی کسانی می‌نهد که گام در راه پیامبران می‌گذارند و رسالت آموزش و راهبری را بر دوش می‌کشند.

در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران نیز که بر آموزه های دینی ابتناء یافته است، معلم، مربی و استاد از شأن و منزلتی ویژه برخوردارند. استاد علاوه بر انتقال دانش، در شکل دهی به شخصیت آموزندگان علم نیز مؤثر است. او کارگزار فضیلت بخشی که خود مقدمه بینش و شناخت می باشد، محسوب می گردد. چنین شناختی مانع از بکارگیری علم در مقاصد غیر الهی می شود.

از سوی دیگر نیز بر آموزنده علم فرض است که در کنار هر گام برای تحصیل علم، یک گام هم برای تحصیل اخلاق و تهذیب بردارد. (صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۷)

در نوشتار حاضر به رسالت دانشگاهیان از منظر بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (س) می پردازیم. بدین منظور جایگاه و اهمیت دانشگاه را مورد ارزیابی قرار می دهیم و متناسب با آن به نقش دانشگاهیان، اعم از اساتید و دانشجویان توجه می نماییم. (همان، ج ۸، ص ۶۱)

### رسالت و وظایف دانشگاه

«دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل، شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین شود. دانشگاه خوب یک ملت را سعادت مند می کند و دانشگاه غیر اسلامی، دانشگاه بد یک ملت را به عقب می زند.» (همان، ج ۸، ص ۶۱)

این فراز از سخنان حضرت امام خمینی به خوبی اهمیت و جایگاه والای دانشگاه را نشان می دهد. متناسب با این جایگاه، امام خمینی رسالت و وظایفی را برای دانشگاه بیان می کند که از خلال سخنان ایشان قابل استخراج است. رسالت و وظایف دانشگاه از منظر امام خمینی در ۳ مقوله جای می گیرد:

اول: انسان سازی، دوم: قطع وابستگی و استقلال کشور، سوم: حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

در ادامه به توضیح و تبیین هر یک از مقوله های فوق می پردازیم.

### اول: انسان سازی

قدر مسلم دانشگاه در کنار خانه و مدرسه، به عنوان مهد تربیتی می توان متصور شد که محصولات آن به سبب پیوند وثیق با بخش های مختلف کشور باید از قابلیتی منحصر به فرد برخوردار باشد. ما



انسان دانشگاهی می خواهیم، نه معلم و دانشجو. بنا به تعبیر امام خمینی: «دانشگاه باید انسان ایجاد کند و انسان بیرون بدهد از خودش... انسان حاضر نمی شود که کشور خودش را تسلیم کند به غیر. انسان حاضر نمی شود که تحت ذلت برود و اسارت. آنها هم از انسان می ترسند. (همان، ج ۱۳، ص ۴۱۷)

دانشگاه انسان ساز بدون تردید نیازمند دو رکن انسان ساز استاد و دانشجو است. کارگزارانی که هر یک سهم ویژه ای در تحقق این رسالت دانشگاه دارند:

#### الف) اساتید دانشگاه و انسان سازی

حضرت امام ابتدا با خاطرنشان نمودن جایگاه مهم اساتید دانشگاه، به تبیین و تشریح وظایف آنان می پردازند. از منظر ایشان اساتید باید سایه انبیاء باشند و متناسب با آن مسئولیت نیز زیاد می گردد. مهمترین مسئولیت اساتید نیز انسان سازی است. (همان، ج ۱۴، ص ۲۹۲)

#### امام خمینی در جای دیگر می فرمایند:

«روحانیون با دانشگاهی یک مسیر دارند و مسئولیت این دو طایفه از همه طوایف دیگر بیشتر است. برای اینکه اگر چنانچه به شرایط عمل بشود انسان درست می شود» (همان، ج ۷، ص ۴۶۷)

با توجه به تعابیر فوق، انسان سازی را می توان مهمترین رسالت اساتید فرض کرد. اما به منظور تحقق این امر نیاز به برداشتن گام های دیگر به اقتضای فضا و شرایط موجود هستیم. انقلاب اسلامی ایران در شرایطی به پیروزی دست یافت که مردم جامعه اسیر و گرفتار عادات و خلق و خوی دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی بودند. لذا در بادی امر، اصلاح فکری جوانان و به ویژه دانشجویان ضروری می نمود. حضرت امام در اوایل پیروزی انقلاب در جمع وزیر و مسئولان وزارت بهداشتی و بهزیستی می فرمایند:

«ما الان جمعیتی هستیم که از حبس بیرون آمدیم، از آن حبس های طول پنجاه سال. حالا ما بیرون آمدیم .... لکن از این حبس که بیرون آمدیم، باز یک گرفتاری های زیاد دیگری داریم که در رأس همه گرفتاری ها، همین گرفتاری فکری است ... این را باید اساتید دانشگاه، معلمین - آموزگارها - این را باید بچه های ما را از این انگل بودن و از این افکار بیرون بیاورند. (همان، ج ۱۱، ص ۱۸۱)

در رشد و توسعه آتی کشور هم «از بین بردن گرفتاری فکری» اصلاح فکری و به تعبیر امام مؤثر است. چرا که وابستگی فکری روشنفکران جامعه منجر به وابستگی کشور در حوزه عملی نیز می گردد. چنانکه تاریخ نیز شاهد بوده است، روشنفکران غرب زده نقش حلقه واسط میان استعمار و استبداد را بازی کرده اند. ملکم خان ها، تقی زاده ها و فروغی ها همواره توجیه گر حکومت استبدادی و حافظ منافع بیگانگان بوده اند. (علیجانی، ص ۱۲۴)

در کنار این امر محیط های آموزشی نیز باید مصون از فساد و آلودگی باشند تا نهالی که بناست در آینده تبدیل به درختی ت نومند و پر بار گردد و از ثمره آن، اعضای جامعه بهره مند شوند، از بستر رشد و بالندگی برخوردار گردد. امام خمینی بر این نکته تصریح دارند که:

«بر اساتید و معلمان متعهد است که با تمام توان و قدرت، در شناسایی عوامل فساد کوشش کنند و محیط های آموزشی و پرورشی را از لوٹ وجود آنان پاک نمایند.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۴۴)

بی شک با پیمودن مسیر یعنی توجه و التفات به جایگاه اساتید دانشگاه در تربیت دانشجو، اصلاح فکری و بازسازی محیط های آموزشی، افرادی متعهد و متخصص به جامعه تقدیم می گردد. در این راستا می توان به این فراز از سخنان بنیان گذار انقلاب اسلامی اکتفا کرد که:

«امیدوارم با کوشش اساتید و معلمین، وضع به صورتی درآید که فردی که دوره درسی اش تمام شد، فردی متعهد بارآمده، فردی که بداند برای کشورش خدمت کند و کاری به رضایت کشورهای بیگانه نداشته باشد» (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۲۲)

ب) دانشجویان و انسان سازی

یکی از انتظارات امام خمینی در بعد انسان سازی از دانشجویان، تزکیه نفس است. شاید بتوان این امر را بدین صورت تعبیر نمود که دانشجو با توجه به رسالتی که در جامعه بر عهده دارد، ضروری است در مرحله نخست درون را بنگرد و نفس خویش را مهار کند. گو این که نفس به اسب سرکشی می ماند که موجب هلاکت انسان می شود. لذاست که حضرت امام خطاب به دانشجویان می فرمایند: «کوشش کنید که هر قدمی که برای علم برمی دارید، برای عمل ظاهری و برای اعمال باطنی، ایجاد تقوی در خودتان، ایجاد استقامت، امانت در خودتان بکنید که وقتی از دانشگاه ان شاء الله بیرون می آید یک انسانی باشید که هم معلومات داشته باشید و هم امانت دار باشید... نفس خود را مهار کرده باشید.» (همان، ج ۹، ص ۳)

همچنین ایشان با مخاطب قرار دادن دانشجویان جهت تقویت ایمان گوشزد می کنند که:

«کوشش کنید که در این دانشکده ها و دانشگاه ها که هستید، ایمان را در خودتان تقویت بکنید. ایمانی که هم در اینجا شما را شرافتمند می کند و هم در پیشگاه حق آبرو دارید و با آبرومندی وارد می شوید به حق تعالی (همان، ج ۱۲، ص ۴۰۳)

در این مقام، شناخت اصول اساسی اسلام که در رأس آن توحید و عدل و شناخت انبیایی بزرگ است ضروری می نماید. (همان، ج ۳، ص ۳۲۶)

قدر مسلم پس از کف نفس و تزکیه درون، مسئولیت دانشجویان نسبت به جامعه مطرح می گردد. امام خمینی در جایی، بیدارسازی خفتگان را خاطر نشان می کند:

«بر شما جوانان روشنفکر است که از پای ننشینید تا خواب رفته ها را از این خواب مرگبار برانگیزانید و با فاش کردن خیانت ها و جنایت های استعمارگران و پیروان بی فرهنگ آنها غفلت زده ها را آگاه نمایید.» (همان، ج ۲، ص ۱۴۲)

همچنین ایشان در خصوص آگاه سازی ملت ها می فرمایند:

«بر شما جوانان ارزنده اسلام، که مایه امید مسلمین هستید، لازم می باشد که ملت ها را آگاه سازید و نقشه های شوم و خانمان سوز استعمارگران را برملا نمایید. (همان، ج ۲، ص ۴۳۹)

برخورد با منحرفین و اساتید منحرف، محور دیگر انتظارات حضرت امام خمینی از دانشجویان می باشد.

«اگر از استادان و دبیران و سران قوم، انحرافی از مقاصد ملی و دینی که سرنگونی رژیم پوسیده در رأس آن است، دیدید، شدیداً اعتراض کنید و راه ملت را که راه خداست به آنان پیشنهاد کنید و در صورتی که نپذیرفتند، از آنان احتراز کرده و صریحاً مقاصد منحرف آنان را برای مردم مظلوم شرح دهید.» (همان، ج ۳، ص ۴۸۴)

امام خمینی در جای دیگری می فرمایند:

دانشگاه که باز شده است، بدانند این جوان ها که دست ها ممکن است در کار باشد که باز مسائل را طور دیگری کنند و شماها را منحرف کنند. همان دفعه اولی که شما از یک استاد یا از یک دانشجو

یک چیز انحرافی دیدید، همان دفعه اول گزارش بدهید تا جلوی‌ش گرفته شود.» (همان، ج ۱۷، ص ۱۵۶)

با این اوصاف، رئوس مقوله انسان‌سازی با رویکرد رسالت‌دانشجو، در قالب دو گام ایجابی و یک گام سلبی تعریف می‌شوند که عبارتند از تزکیه نفس، بیداری و آگاه‌سازی ملت‌ها و برخورد با منحرفین.

## دوم: قطع وابستگی و استقلال کشور

شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به وضوح گویای شأن و جایگاه استقلال در نظام جمهوری اسلامی است. دانشگاه نیز که بنا به تعبیر حضرت امام مبدأ همه تحولات است به طریق اولی باید از استقلال برخوردار باشد. بدین نحو پویایی و زیایی مورد انتظار تحقق می‌پذیرد. امام خمینی (ره) با ملاحظه این مطلب می‌فرمایند:

«اگر دانشگاه‌ها درست نشود و مدرسه‌های ما هم درست نشود، امید اینکه یک جمهوری اسلامی ما پیدا کنیم نداریم. اگر این دو قشر تربیت شدند، به طوری که اسلام می‌خواهد، تربیت انسانی شدند، هم مملکت ما مصون می‌شود از تصرف شیاطین و روی چرخ خودش گردش می‌کند بدون وابستگی به خارج و بدون خیانت‌های داخلی و هم ترقیات حاصل می‌شود برای شما» (همان، ج ۹، ص ۳)

تأکید حضرت امام بر استقلال‌طلبی و قطع ریشه‌های وابستگی، بیانگر ماهیت ضد استعماری و سلطه‌ستیز نهضت اسلامی ایران است. ایشان عامل فروپاشی حکومت پهلوی را متکی نبودن آن به قدرت ملت و اتکا به بیگانگان می‌دانستند و با حکومت شاه از آن جهت به مبارزه برخاسته بودند که به

بیگانگان و عوامل استعمار خارجی اجازه داده بود تا در امور مملکت اسلامی دخالت کنند.  
(دهشیری، ص ۱۰۱)

مناسب با بخش پیشین، مقوله «قطع وابستگی و استقلال کشور» از منظر امام خمینی را در قالب انتظارات و رسالت اساتید و دانشجویان مورد بررسی قرار می دهیم.

الف) اساتید دانشگاه و قطع وابستگی و استقلال کشور

اصلاح فرهنگ و استقلال فرهنگی از دید بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حرکتی بنیادی و اساسی محسوب می شود. ایشان در این باره تأکید می کنند که:

«ملت عزیز ایران و سایر کشورهای مستضعف جهان اگر بخواهند از دام های شیطنت آمیز قدرت های بزرگ تا آخر نجات پیدا کنند، چاره ای جز اصلاح فرهنگ و استقلال آن ندارند، و این میسر نیست جز با دست اساتید و معلمان متعهدی که در دبستانها تا دانشگاهها راه یافته اند.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۴۵)

امام خمینی طی پیامی به مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاهها خطاب به اساتید، دانشجویان و دانش آموزان می فرماید:

«بزرگترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می کنند همه چیز از غرب است و ما در همه ابعاد فقیر هستیم و باید از خ ارج وارد کنیم. شما استادان و فرهنگیان و دانشجویان دانشگاهها و دانشسراها و نویسندگان و روشنفکران و دانشمندان معظم باید کوشش کنید و مغزها را از این وابستگی فکری شستشو دهید و با این خدمت بزرگ و ارزنده، ملت و کشور خود را نجات دهید.» (همان، ج ۱۰، ص ۷۹)

در ادامه مسیر، اساتید موظفند فضای یأس و ناامیدی در دانشگاه‌ها را از بین ببرند و با ایجاد فضایی پرنشاط، چشم انداز مناسبی را برای ایفای نقش مستقل دانشجویان ترسیم نمایند.

امروز بر دانشمندان بزرگ و مبلغان اسلامی واجب است هرچه سریع‌تر به این امر حیاتی اقدام کرده، ناامیدی را از دل‌های خود و از دل‌های طلاب و دانشجویان و ... دور کنند و بدانند که ناامیدی، سرچشمه سستی و مانع اصلی رسیدن به حق است.» (کتاب البیع، ص ۵۶)

در تکمیل این اقدام، اساتید باید به ایجاد خودباوری در دانشجویان همت گمارند:

«شماهایی که در دانشگاه هستید و دانشمند هستید و متفکر هستید، این جوان‌های ما را یکجوری بار بیاورید که خودشان بفهمند که خودشان یک چیزی اند.» (همان، ج ۱۲، ص ۲۵)

در واقع موارد مذکور را در راستای نیل به استقلال فکری دانشجویان باید تصور کرد و این خودزمینه را برای قطع وابستگی و استقلال کشور فراهم خواهد آورد. البته حضرت امام این استقلال فکری و تعهد را در کنار تخصص مد نظر قرار می‌دهند:

ما می‌خواهیم که اگر بیماری پیدا شد، اینطور نباشد که بگویند حتماً بروید به انگلستان، حتماً بروید به آمریکا. ما می‌خواهیم که همانطوری که یک آمریکایی اگر مریض شد به ایران نمی‌آید و یک انگلیسی اگر مریض شد به ایران نمی‌آید، یک ایرانی هم اگر مریض شد، جای دیگر نرود. ما یک همچون تخصصی می‌خواهیم که جوری بار بیاورد کشور را و جوان‌هایی که در رأس امور کشور هستند که این مغزهایشان وابسته نباشد و فکری جز اسلام و ایران در سرشان نباشد.» (همان، ج ۱۴، ص ۳۶۰)

ب) دانشجویان و قطع وابستگی و استقلال کشور

مهمترین قدم دانشجویان برای رهایی از وابستگی به شرق و غرب بنا به باور امام خمینی (ره) خودیابی و خودباوری است. ایشان در این رابطه می فرمایند:

«شما دانشجویان عزیز، خودتان درصدد این باشید که از غرب زدگی بیرون بیایید. این گمشده خودتان را پیدا کنید. گمشده شما خودتان هستید ... شما باید مقاومت کنید. شمایی که می خواهید مستقل باشید، می خواهید آزاد باشید، می خواهید خودتان سرپای خودتان ایستاده باشید، باید همه قشرها در این مملکت، همه قشرها بنابراین بگذارند که خودشان باشند.» (همان، ج ۱۲، ص ۷)

بنابراین می توان بدین نتیجه رسید که استقلال طلبی متناسب با شأن دانشگاهیان دارای دو بعد سلبی و ایجابی است. استقلال سلبی همانا استعمار زدایی است که زمینه ساز تحقق حکومت نه شرقی، نه غربی محسوب می گردد و استقلال ایجابی در چارچوب خودکفایی سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و فکری تعریف می شود. (دهشیری، ص ۵۱-۵۲)

### سوم: حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

اگر وقوع انقلاب اسلامی ایران را امری ضروری برای تحقق و اجرای دین خدا در میان مردم بدانیم، حفظ و تداوم انقلاب از اوجب واجبات محسوب می شود. بدون تردید، دانشگاه نیز باید سهم خود را در استمرار این حرکت ایفا نماید:

«من امیدوارم که دانشگاه ما یک تبدیل معنوی پیدا بکند... آن چیزی که لازم است این است که شما که در دانشگاه هستید، شما که تماس با جوان ها دارید، این معنا را تذکر بدهید که این تحولی که رمز



پیروزی شما بود و شما را تا اینجا رساند و این سد بزرگ شیطانی را شکستید، این تحول و این نهضت را به این معنا که هست، حفظش کنید.» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۱۴-۴۱۲)

دانشگاه و حفظ و تداوم انقلاب اسلامی را می توان از دو منظر به نظاره نشست:

الف) اساتید و حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

حضرت امام خمینی، مسئولیت اساتید دانشگاه در قبال حفظ دین و کشور را اینگونه بیان می کنند:

«اگر علاقه دارید به اینکه کشور شما، دین شما محفوظ بماند، این محفوظیت کلیدش دست شماست.» (همان، ج ۱۰، ص ۴۳۹)

امام (س) از اساتید دانشگاه می خواهند که از طریق هدایت دانشجویان و تربیت صحیح آنان یاری گر نهضت اسلامی باشند:

«امیدوارم که جوان های ما، اساتید ما، اساتی د دانشگاه ما و ... متوجه بشوند که غفلت ها شده است... باید دست به دست هم بدهیم، نویسنده کمک کند به این نهضت، گوینده کمک کند به این نهضت.» (همان، ج ۱۰، ص ۴۳۹)

بر این مبنا، حفظ و تداوم انقلاب اسلامی منوط به حضور مؤثر و متعهدانه اساتید در دانشگاه ها است.  
«اساتید بدانند که اگر دانشگاه را بسازند، کشورشان را بیمه کرده اند تا آخر.» (همان، ج ۱۲، ص ۵۰۹)

ب) دانشجویان و حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

بخشی از وظیفه حفظ و تداوم انقلاب اسلامی نیز بر عهده دانشجویان است. امام خمینی (س) در جمع دانشجویان می فرماید:

«شما جوانان دانشجو و جوانان عزیزی که از هر جا آمده اید، امید این ملت هستید که باید این راهی را که فرا راه شما گذاشته شده است به آخر برسانید و این نهضتی را که در راه او آن همه جانفشانی شده است، ادامه بدهید.» (همان، ج ۱۴، ص ۱)

همچنین در جایگاهی دیگر حضرت امام بر زنده نگه داشتن شعار اسلام پافشاری می کنند:

«باید طلاب و دانشجویان عزیز و شجاع سراسر ایران از هر فرصت استفاده کرده و شعار ضد شاهی را که شعار اسلام است زنده نگه دارند.» (همان، ج ۳، ص ۴۴۳)

با توجه به موارد فوق می توان بدین ارزیابی دست یافت که دانشگاهیان یکی از مهمترین کارگزاران حفظ و تداوم انقلاب اسلامی محسوب می شوند.

### **دانشگاه اسلامی دانشگاه تمدن ساز**

با نگاهی به آراء و اندیشه های حضرت امام خمینی درباره تمدن، آشکار می گردد که تمدن باید تمدن الهی و اسلامی باشد. ایشان می فرمایند:

«همه با هم، همه با هم به جلو برویم. همه با هم به [سوی] یک تمدن صحیح نه تمدن محمدرضایی. تمدن الهی، تمدن رسول الهی، آن که همه اقشارش را، سیاه و سفیدش را هیچ فرق نمی گذارد مگر اینکه به تقوا.» (همان، ج ۶، ص ۳۴۳)

امام با اشاره به گذشته، تمدن مسلمین را تمدن برتر می دانند و معتقدند:

«تمدن آنها (مسلمین) فوق تمدن ها بود، معنویات آنها بالاترین معنویات بود، رجال آنها برجسته ترین رجال بود ... سیطره حکومتشان بر دنیا غالب شده بود . دیدند که با این سیطره، با این وحدت دول اسلامی، نمی شود تحمیل کرد چیزهایی را که آنها می خواهند؛ درصدد چاره برآمدند؛ چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندارند.» (همان، ج ۱، ص ۳۷۴-۳۷۵)

بدین ترتیب ضرورت احیاء تفکر دینی و مظاهر تمدن اسلامی هویدا می شود. در این خصوص نخبگان سیاسی و فکری به طور کلی سه شیوه را در پیش می گیرند. عده ای راه چاره را پیروی از تمدن غرب و تقلید جوامع اسلامی از تجربه غربی ها در ابعاد مختلف توسعه می دانند. این نامید. گروهی دیگر که تعلق خاطر و تعهد بیشتری به «راهبرد نوگرایی» خط مشی را می توان در پیش می گیرند که مبتنی بر آن تمام «راهبرد مقاومت حفاظتی» ارزش ها، عقاید و سنن دارند مظاهر پیشرفت و تمدن غرب را انکار می کنند.

در مقابل این دو گروه، دسته سوم، درباره غرب و دستاوردهای آن، رهیافتی گزینشی دارند. این گروه غرب را تمدنی با جنبه های مثبت و منفی می دانند. برای آنها شناخت دقیق و عمیق جنبه های تمدن غرب ضروری است. از سوی دیگر آنان اسلام را تمدنی با دستاوردهای جدید فرهنگی می دانند و خواستار ظهور اسلام همچون جنبش اجتماعی سیاسی هستند و نیز در پی بازگشت به پیام اولیه اسلام می باشند. این طرز تفکر را می توان مبتنی بر راهبرد تجدید حیات اسلام دانست. (ظهیری نژاد، ص

۵۶-۵۹)

شیوه حرکت امام در قالب اندیشه اخیر قابل تبیین است. ایشان با صراحت می فرمایند:

«ما همه مظاهر و تمدن را با آغوش باز قبول داریم، لکن اینهایی که اینها دارند مظاهر تمدن نیست. این همه آدمکشی مظاهر تمدن است؟ این حکومت نظامی مظاهر تمدن است.» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۵۰۶)

همچنین حضرت امام خاطر نشان می سازند که:

«حکومت اسلامی اگر چنانچه تأسیس بشود، نمی خواهد که آثار تمدن را از بین ببرد، با دانشگاه مخالف نیست، با علم مخالف نیست، احادیث ما از علم آنقدر تعریف می کنند، از عالم آنقدر تعریف می کنند، ... با این نحو علمی که شما دارید ما مخالفیم. با این نحو تربیت و تعلیمی که شما می خواهید ما را تربیت کنید، با این ما مخالفیم. با آن مظاهر تمدن که بچه ها ما را فاسد می کند... ما با آن مخالفیم؛ نه اینکه ما مخالفیم با اصل تمدن و می خواهیم مردم را برگردانیم به زمان کذا.» (همان، ج ۵، ص ۲۶۴)

مسئلاً تمدن اسلامی مورد نظر امام خمینی برخوردار از این ارکان اسلامی است که یکی از آنها دانشگاه اسلامی می باشد.

## فرجام

در مقام جمع بندی می توان عنوان کرد که حضرت امام خمینی با ملاحظه شأن و جایگاه خطیر دانشگاه، نقش و رسالت دانشگاهیان را گوشزد می نمایند. در این نوشتار سعی شد با توجه به رسالت دانشگاه در سه مقوله «انسان سازی»، «قطع وابستگی و استقلال کشور» و «حفظ و تداوم انقلاب

اسلامی» وظایف اساتید و دانشجویان تبیین و تشریح گردد. با ابتناء بر موارد مذکور، اساتید وارث انبیاء محسوب می شوند و باید آموزش را همراه با اشاعه تقوا انجام دهند. دانشجویان نیز با تزکیه نفس و تقویت ایمان خویش، به بیداری و آگاه سازی ملت ها پردازند. قطع وابستگی و استقلال کشور هم در گرو تربیت متخصصین مستقل و خودباور است. در نهایت امر نیز اساتید و دانشجویان متعهد و متخصص هستند که تداوم بخش انقلاب اسلامی ایران می باشند.

### دانشجو از نگاه امام خمینی رحمه الله

یکی از موضوعات مهم و اساسی در نگاه امام خمینی رحمه الله دانشجو و دانشگاه است. موضوع دانشجو در سخنان امام بازتاب فراوان یافته و از ایشان در این باره توصیه های فراوان به یادگار مانده است. مقاله حاضر، مروری است به برخی از سخنان امام خمینی رحمه الله در باره دانشجو و مسائل مربوط به او.

### نقش دانشجو در رقم زدن مقدرات کشور

دانشجوها ذخایر این ملت هستند، مقدرات مملکت ما در آتیه، به دست دانشجویان امروز است؛ یعنی.. همه شئون مختلفه کشور در دست دانشجویان است که آتیه کشور را آنها باید اداره بکنند؛ چنان که تربیت کننده اشخاصی هستند که آنها باید مقدرات مملکت را به دست بگیرند؛ یعنی سعادت يك مملکت کلیدش به دست معلم است و به دست دانشجو.

اول معلم است که باید تربیت کند قشرهای جوان را و بعد خود جوان ها که باید مملکت را اداره کنند. بنابراین، هر مملکتی در عالم، هر کشوری در عالم موجودیتش بسته است به دست دانشجو و معلم. (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۷: ۲۵۴)

## دانشجو و بیدار نمودن غرب زده ها

شما نسل جوان موظف هستید غرب زده ها را از خواب بیدار کنید و فجایع حکومت های ضد انسانی آنها و عمال آنها را بر ملا نمایید و طرز حکومت اسلام را که معالاسف بسیار عمر کوتاهی داشت و در همان چند صباح، راه و روش اسلام را در ولایت و والی روشن کرد، به جوامع عموماً و به فرزندان اسلام خصوصاً گوشزد کنید و صفوف خود را فشرده تر نمایید. (همان: ج ۲: ۲۸۲ و ۲۸۳)

## اخلاص

دانشگاه را باید شما رو به خدا ببرید، رو به معنویت ببرید و همه درس ها هم خوانده بشود، همه درس ها هم برای خدا خوانده بشود. اگر این را توانستید که شما برای این کار بروید و این کار را بکنید، در کارتان موفق آید، چه برسید به مقصدتان، چه نرسید به مقصدتان. (همان: ۲۰۸)

## آگاهی بخشی به ملت ها

بر شما جوانان ارزنده اسلام - که مایه امید مسلمین هستید - لازم می باشد که ملت ها را آگاه سازید و نقشه های شوم و خانمان سوز استعمارگران را بر ملا نمایید. در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید. تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید. با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر و پیشبرد آرمان های بزرگ اسلام بکوشید.

برای پیاده کردن طرح حکومت اسلامی و بررسی مسائل آن اهتمام بیشتری به خرج دهید. مهذب و مجهز شوید. متحد و متشکل شده و صفوف خود را فشرده تر سازید. هر چه بیشتر هم فکر و انسان فداکار بسازید. (همان: ۴۳۹)

## ادامه دادن راه پیامبران

شما جوانان دانشجو و جوانان عزیزی که از هر جا آمده اید، امید این ملت هستید که باید این راهی را که فرا راه شما گذاشته شده است، به آخر برسانید؛ و این نهضتی را که در راه او آن همه جانفشانی شده است، ادامه بدهید؛ و این صراط مستقیمی را که انبیا جلو راه بشر گذاشتند و نبی اکرم آخرین انبیا و اشرف همه، آن راه را جلو مردم گذاشتند، و مردم را دعوت به این صراط مستقیم کردند و هدایت کردند به راه انسانیت و خروج از همه انحای کفر و الحاد و خروج از همه ظلمات به نور مطلق، باید شما جوان ها همان راه را ادامه دهید تا اینکه پیرو رسول اکرم و در مکتب حضرت صادق پیروانی شایسته باشید. (همان: ج ۱۴: ۱ و ۲)

## کشتی نجات امت اسلامی

جوانان متعهد در طول تاریخ و خصوص دانشجویان مسلمان در نسل حاضر و در نسل های آینده، سرمایه های امیدبخش اسلام و کشورهای اسلامی هستند. اینانند که با تعهد و سلاح و استقامت و پایداری می توانند کشتی نجات امت اسلامی و کشورهای خود باشند و این عزیزانند که استقلال و آزادی و ترقی و تعالی ملت ها مرهون زحمات آنان است. اینانند که هدف اصلی استعمار و استثمارگران جهاناند و هر قطبی در صدد صید آنان است و با صید آنان است که ملت ها و کشورها به تباهی و استضعاف کشیده می شوند. (همان)

## نگهبانی از امانت استقلال و آزادی

و اکنون ای جوانان عزیز و ای دانشجویان و دانشمندان و ای امید امروز و فرداهای امت و اسلام، امانت بزرگ استقلال و آزادی که از دام دو قطب شرق و غرب با مجاهدت و فداکاری ملت عظیم

الشان ایران به دست آمده است، به شما عزیزان سپرده شده و مسئولیت بزرگی به عهده همه گذاشته شده است. همه ملت و خصوص دانشجویان مسلمان که رهبران آینده هستند، مسئول نگهداری از این امانت بزرگ الهی می باشند. (همان)

## پر کردن مساجد

شما دانشگاهی ها، شما دانشجوها، همه تان مساجد را بروید پر کنید. سنگر است این جا. سنگرها را باید پر کرد. (خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۲: ۳۹۳)

## دانشجو، مایه اصلاح یا تباهی ملت ها

جوان های عزیز دانشگاهی توجه داشته باشند به این مسائل که از دانشگاه است که می شود یک ملتی اصلاح بشود و از دانشگاه است که می تواند یک ملتی به تباهی کشیده بشود. این دانشگاه و تربیت دانشگاهی است که جوان های ما را، یا طرف غرب می کشد یا طرف شرق می کشد و آنها را از خودشان تهی می کنند و وجهه آنها را متوجه به غرب و شرق [می] کند تا اینکه شرق غلبه کند و تمام جهات ایران را و شرق را و تمام بلاد مسلمین را از بین ببرد یا غرب غلبه کند و همه فرهنگ و چیزهای دیگری را از ما بگیرند و به جای آن، یک مغز شرقی یا یک مغز غربی بنشانند و ملت ما را به تباهی بکشند. (همان: ج ۱۴: ۴۲۶)

## تقویت ایمان

کوشش کنید که در این دانشکده ها و دانشگاه ها که هستید، ایمان را در خودتان تقویت بکنید. ایمانی که هم در اینجا شما را شرافتمند می کند و هم در پیشگاه حق آبرو دارید و با آبرومندی وارد می شوید به حق تعالی. (خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۲: ۴۰۳)



## دفاع از اسلام

وظیفه عموم مسلمانان و خصوص علمای اعلام و روشنفکران و دانشگاهی‌های علوم قدیمه و جدیده است که برای دفاع از اسلام عزیز و حفظ احکام حیاتبخش آن، که ضامن استقلال و آزادی است، و از میهن بزرگ خود - که مهد بزرگان و آزادی خواهان بوده و اکنون در شرف سقوط است - از فرصت استفاده کنند و گفتنی‌ها را بگویند و بنویسند و به گوش مقامات بین‌المللی و سایر جوامع بشری برسانند. (همان: ج ۳: ۲۶۲)

## تبلیغات مذهبی

سعی کنید در دانشگاه پرچم اسلام را بالا ببرید؛ تبلیغات مذهبی بکنید؛ مسجد بسازید؛ اجتماعاً نماز بخوانید؛ تظاهر به نماز خواندن بکنید. وحدت مذهبی لازم است. وحدت مذهبی است که این اجتماع عظیم و فشرده را ایجاد می‌کند. اگر علاقه به استقلال ایران دارید، وحدت مذهبی داشته باشید. (همان: ج ۱: ۲۶۷ و ۲۶۸)

## علم همراه با تهذیب نفس

باید آقایان همان طوری که در تحصیل علم کوشا هستند، در تهذیب اخلاق، در اعمال، در عقاید، در فضایل اخلاقی کوشا باشند؛ که علم بدون عمل و بدون تقوا بسیاری از اوقات مضر است. باید عالم متقی باشد و متوجه به خدای تبارک و تعالی باشد تا بتواند جامعه را تربیت کند. باید خودش تربیت شده باشد تا بتواند جامعه را تربیت کند. (همان: ج ۸: ۳۰۳)

شما باید در هر جا که تحصیل می کنید و جوان ها و کودکان ما در سرتاسر کشور، در هر مرکزی که اشتغال به تحصیل دارند باید توجه به این داشته باشند که تحصیل همراه تهذیب و همراه تعهد و همراه اخلاق فاضله انسانی است که می تواند ما را به حیات انسانی برساند، و می تواند کشور ما را از وابستگی ها نجات بدهد.

اگر شما جوان ها دنبال تحصیل که می روید، دنبال این معنا باشید که یک تصدیقی بگیریید و بروید آن را وسیله قرار بدهید برای استفاده مادی خودتان، این همان انحرافی است که آنها می خواهند؛ و اگر شما در مراکز هستیید، یک ایده صحیح داشته باشید و یک غایت صحیح داشته باشید که برای رسیدن به آن غایت مشغول تحصیل باشد، و برای رسیدن به آن امری که خدای تبارک و تعالی می خواهد و آن تهذیب نفس و پرستیدن الله و دور کردن همه شرک ها و همه انحراف ها و همه الحادها از خودتان و از مراکزتان، اگر این طور باشد، شما پیروز خواهید شد.

و همه انحراف ها و همه گرفتاری هایی که برای یک کشور پیش می آید برای این است که مراکز تعلیم و تعلم شان، مراکز تهذیب نیست. تا تهذیب نباشد و تعهد نباشد و از اول انسان راه خودش را، صراط مستقیم خودش را نیافته باشد، و تحصیل او دنبال همان ایده صحیح اسلامی نباشد، همین انحراف آور است. (همان: ج ۱۴: ۳ و ۴)

اشخاصی که در علم به مرتبه اعلا رسیده اند، لکن تربیت انسانی ندارند، یک همچو اشخاصی ضررشان بر کشور، ضررشان بر ملت، ضررشان بر اسلام، از دیگران زیادتر است.

آن کس که دانش دارد، لکن دانشش توأم با یک تهذیب اخلاق و یک تربیت روحی نیست، این دانش موجب این می شود که ضررش بر ملت و بر کشور، زیادتر باشد از آنهایی که دانش ندارند.

همین دانش را یک شمشیر می کند در دست خودش، و با آن شمشیر دانش ممکن است که ریشه یک کشور را از بین ببرد و قطع کند. (همان: ج ۸: ۳۱۰)

### **جلوگیری از نفوذ عناصر منحرف**

امروز که کشور از استقلال شایسته برخوردار است و قید و بند غرب و شرق و غرب‌زدگان و شرق‌زدگان از کشور و دانشگاه گسسته شده است، جوان عزیز دانشگاهی، هر چه بیشتر در کسب علوم و فنون در اعتلای کشور معظم خود کوشش نماید، و از نفوذ عناصر منحرف قاطعانه جلوگیری کند، و نگذارد محیط مقدس دانشگاه آلوده به اغراض منحرفان و وابستگان به اجانب گردد. (همان: ج ۱۸: ۸۴)

### **دانش‌اندوزی حتی از کافر**

اسلام با تخصص موافق است. اسلام در رأس ادیانی است که از علم و تخصص تمجید کرده و مردم را دعوت کرده است؛ حتی دعوت کرده است که هر جا یافتید علم را، حتی از هر کافری یافتید، آن را بگیرید. اما باید بگیرید و در خدمت اسلام و کشور باشد، نه علم را بگیرید و بر ضد کشور خودتان استعمال کنید. (همان: ج ۱۴: ۳۶۰)

### **انسان‌سازی**

با شغل دانشگاهی اگر چنانچه به شرایط عمل بشود، انسان درست می شود. این است که این شغل، شغل انبیا بوده است. تمام انبیا برای آدم درست کردن آمدند. (همان: ج ۷: ۴۶۷)

### **دانش‌آموزی تا پایان عمر**

انسان تا آخر عمرش، هم به علم احتیاج دارد و هم به آموزش و هم به پرورش. هیچ انسانی نیست که مستغنی از علم باشد و مستغنی از پرورش و تربیت. اینکه بعضی از اشخاص گمان می کنند که ما دیگر وقت درس خواندن مان گذشته است، این صحیح نیست. درس یک وقت معین ندارد، علم یک وقت معین ندارد. همان طوری که در حدیث است که علم از گهواره است تا قبر، اگر انسان در حال احتضار هم یک کلمه یاد بگیرد، بهتر از این است که جاهل باشد. (همان: ج ۱۷: ۱۸۶)

## خودکفایی و بازسازی

مهم ترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی و تمرکز و هدایت امکانات، و تشویق همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به در آمده و نشان داده اند که می توانند کشور را روی پای خود نگه دارند. (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۵: ۲۰۲ و ۲۰۳)

## تربیت انسانی

چنانچه تربیت، یک تربیت انسانی باشد و موافق با فطرت انسان که همان فطرت، ودیعه گذاشته از خداست «فطرت الله الّتی فطر النّاس علیها؛ همان سرشت الهی که مردم را به آن پدید آورد» (روم: ۳۰) آن طور باشد، در دانشگاه هم همان جور تربیت باشد، اینها بعد که تحویل به جامعه داده می شوند و مقدرات جامعه قهراً به دست اینها سپرده می شود، در نتیجه کشور را کشور نورانی، کشور انسانی، کشور به فطرت الله تربیت می کنند، و کشور را به جلو می برند.

اگر شما بخواهید تعلیم کنید فقط اطفال را و کاری به این نداشته باشید که در پهلوی تعلیم و تربیت انسانی، تربیت اخلاقی باشد، اینها با همان علم بدون تربیت، مراحل را طی می کنند، و علم بدون تربیت، آنها را یا اکثر آنها را رو به فساد می کشد.

انسان از اول این طور نیست که فاسد به دنیا آمده باشد. از اول با فطرت خوب به دنیا آمده؛ با فطرت الهی به دنیا آمده: «کلّ مولودٍ یولد علی الفطره؛ هر نوزادی با سرشت خدایی زاییده می شود» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۲ و ۱۳) که همان فطرت انسانی، فطرت صراط مستقیم، فطرت اسلام، فطرت توحید است. این تربیت هاست که یا همین فطرت را شکوفا می کنند و یا جلوی شکوفایی فطرت را می گیرند. این تربیت هاست که یک کشور را ممکن است به کمال مطلوبی که از هر جامعه انسانی است، برسانند و یک کشور، کشور انسانی باشد؛ کشور مطلوب اسلام باشد. همین تربیت ها یا تعلیم های بدون تربیت ممکن است که اینها در آن وقتی که مقدرات یک کشوری دست آنهاست و همه چیز کشور به دست آنهاست، کشور را به تباهی بکشند. (همان: ج ۱۴: ۳۳)

## استقبال از حکومت اسلامی

دانشجویان چشمشان باز است. شما مطمئن باشید اگر این مکتب را عرضه نمایید و حکومت اسلامی را چنان که هست به دانشگاه ها معرفی کنید، دانشجویان از آن استقبال خواهند کرد. دانشجویان با استبداد مخالف اند؛ با حکومت های دست نشانده و استعماری مخالف اند؛ با قلدری و غارت اموال عمومی مخالف اند؛ با حرام خواری و دروغ پردازی مخالف اند. با اسلامی که طرز حکومت اجتماعی و تعلیم دارد، هیچ دانشگاه و دانشجویی مخالفت ندارد. (خمینی، ۱۳۸۷: ۲۶۳)

## هوشیاری

قشر محصلین خصوصاً دانشگاهیان، که لازم است با هوشیاری و تعهد به اسلام و خدمت به کشور مراقب اوضاع و احوال طبقات محصلین و دانشگاهیان باشند که خدای نخواستہ یک وقت این مراکز بزرگ تعلیم و تربیت، به سوی مسائلی که قبلاً بدان مبتلا بودند، کشیده نشود. (خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۷:

(۳۲۶)

## التزام به احکام اسلام

باید شما دانشجویان دانشگاه ها از دخالت دادن سلیقه و آرای شخصی خود در تفسیر آیات کریمه قرآن مجید و در تأویل احکام اسلام و مدارک آن جداً خودداری کنید، و ملتزم به احکام اسلام به همه ابعادش باشید؛ و مطمئن باشید آنچه صلاح جامعه است، در بسط عدالت و رفع ایادی ظالمه و تأمین استقلال و آزادی و جریانات اقتصادی و تعدیل ثروت به طور عاقلانه و قابل عمل و عینیت، در اسلام به طور کامل می باشد و محتاج به تأویلات خارج از منطق نیست.

و لازم است مراقب باشید با کمال دقت و هوشمندی که کسانی که التزام به اسلام ندارند به جمیع ابعادش، ولو در اصلی از اصول با شما موافق نیستند، آنها را دعوت به التزام کنید؛ و اگر مؤثر نشد، از شرکت دادن آنها در اجتماعات و انجمن های اسلامی احتراز کنید؛ و گمان نکنید زیادی افراد هر چه باشد، شما را به هدف نزدیک می کند و پس از وصول به هدف، آنها قابل تصفیه هستند. باید بدانید و می دانید که قشرهای غیر مسلم یا غیر ملتزم به اسلام، از پشت به شما خنجر می زنند و شما را قبل از وصول به هدف، از کار می اندازند یا نابود می کنند. از تجربه های سابق عبرت بگیرید. (همان: ج ۳: ۳۲۲ و ۳۲۳)

## احترام متقابل روحانیون و دانشگاهیان

لازم است طبقات محترم روحانی و دانشگاهی، با هم احترام متقابل داشته باشند. جوانان روشنفکر دانشگاه ها به روحانیت و روحانیون احترام بگذارند. خداوند تعالی آنها را محترم شمرده و اهل بیت وحی، سفارش آنها را به ملت فرموده اند. روحانیت، قدرت بزرگی است که با از دست دادن آن، خدای نخواستہ پایه های اسلام فرومی ریزد و قدرت جبار دشمن، بی معارض می شود.

مطالعات دقیق اجانب استعمارگر در طول تاریخ به آن رسیده که باید این سد شکسته شود و تبلیغات دامنه دار آنها و عمال آنها در چند صدسال، موجب شده که مقداری از روشنفکران را از آنها جدا و به آنها بدبین کند تا جبهه دشمن، بی معارض شود.

اگر احياناً در بين آنها کسانی بی صلاحیت خود را جا بزنند، لکن نوع آنها در خدمت هستند، به حسب اختلاف موقف و خدمت آنها ملت را پایبند اصول و فروع دیانت نموده، به رغم اجانب و عمال آنها باید این قدرت را تأیید و حفظ نمود و با دیده احترام نگریست. (خمینی، ۱۳۸۷: ۲۸۷ و ۲۸۸)

### **تقوا، استقامت، امانتداری**

کوشش کنید که هر قدمی که برای علم برمی دارید، برای عمل ظاهری و برای اعمال باطنی، ایجاد تقوا در خودتان، ایجاد استقامت، امانت در خودتان بکنید که وقتی از دانشگاه ان شاءالله بیرون می آید، یک انسانی باشید که هم معلومات داشته باشید و هم امانتدار باشید. برای معلوماتان، هم امانتدار باشید و هم تزکیه نفس کرده باشید؛ نفس خودتان را مهار کرده باشید.

نفس انسان سرکش است و سرکشی آن، انسان را به زمین می زند. همان طوری که اگر انسان سوار یک اسب سرکش باشد و مهار نداشته باشد، این اسب سرکش انسان را به هلاکت می رساند، نفس انسان بدتر از هر سرکشی است. سرکشی نفس، انسان را به هلاکت می رساند. هر قدمی که برای تعلیم و تعلم برمی دارید، همراه آن قدم، قدمی باشد برای مهار کردن نفستان که از این سرکشی که دارد و آزادی که برای خودش فرض می کند که هیچ مهاری در کار نباشد؛ خودتان مهار کنید نفس خودتان را.

این طور نباشد که تعلم باشد؛ شما در طرف علوم طبیعی و این طایفه هم در طرف علوم فقهی و الهی، دقایق علوم را بررسی کنید، لکن از آن جهالاتی که در نفس است و از آن سرکشی‌هایی که در نفس است، غفلت بکنید. اگر غفلت بکنید، هر قدمی که در علم بر می‌دارید، از انسانیت دور شده‌اید؛ هی دورتر.

انسانیت یک راه مستقیمی است، یک راه مستقیم که اگر از این ور کسی برود، مُعَوَج است و برخلاف انسانیت است؛ اگر از آن ور هم برود، برخلاف است و آن کسی که اعوجاج پیدا کرد و راه مستقیم نرفت، هر چه پیش برود دور می‌شود از راه انسانیت. (همان: ج ۹: ۳)

## استقلال

اسلام برای علم آن قدر اجر قائل است که شاید دیگر مسالک آن قدر قائل نباشند. اسلام دانشمندان را آن قدر ارج می‌گذارد که شاید سایر مسالک آن طور نباشد. در اسلام، دانش بزرگ‌ترین چیز است، لکن نه دانش آن طوری که ما را به تباهی بکشد، نه دانشمندان آن طوری که ملت ما را به آغوش غرب یا شرق ببرد.

اسلام کوشش دارد که علم را در مغزهای مستقل، در مغزهایی که به طرف شرق و غرب نیستند، در مغزهایی که به اسلام فکر می‌کنند، بار بیاورد؛ و این استقلال است که می‌تواند کشور ما را مستقل کند. (همان: ج ۱۴: ۴۳۱)

## توحیدمداری

آن معنایی که از علوم دانشگاه‌ها ما می‌خواهیم و آن معنایی که از علوم مدارس قدیمه ما می‌خواهیم، همین معنا نیست که در سطح ظاهر هست؛ و متفکرین ما، همان سطح ظاهر را دارند در آن



[کار] می کنند و بسیار هم ارجمند است کارهای شان؛ لکن آن که اسلام می خواهد، این نیست. آنی که اسلام می خواهد تمام علوم، چه علوم طبیعی باشد و چه علوم غیرطبیعی باشد، آن که از آن اسلام می خواهد، آن مقصدی که اسلام دارد، این است که تمام اینها مهار بشود به علوم الهی و برگشت به توحید بکند. هر علمی جنبه الوهیت در آن باشد؛ یعنی انسان طبیعت را که می بیند، خدا را در آن ببیند، ماده را که می بیند، خدا را در آن ببیند، سایر موجودات را که مشاهده بکند، خدا را در آن ببیند.

آن که اسلام برای آن آمده است برای برگرداندن تمام موجودات طبیعی به الاهیت و تمام علوم طبیعی به علم الهی؛ و از دانشگاه‌ها هم این معنا مطلوب است. نه اینکه خود طب را - البته طب هم باید باشد، علوم طبیعی هم همه باید باشد، معالجات بدنی هم باید باشد - لکن مهم آن مرکز ثقل است که مرکز توحید است. تمام اینها باید برگردد به آن جهت الوهیت. (همان: ج ۸: ۴۳۴ و ۴۳۵)

## دفاع از میهن و تغییر افکار غلط

شما جوانان تحصیل کرده در هر جا هستید، وظایف خطیری دارید. وظیفه دفاع از اسلام که به عهده هر فرد مسلم است. وظیفه دفاع از میهن و استقلال آن، که از وظایف حتمیه اسلامی است. وظیفه شناساندن اسلام بزرگ به جوامع بشری؛ چه از ناحیه طرز حکومت و بسط عدالت آن، و چه از ناحیه رفتار والی مسلمین با ملت، و چه از کیفیت معامله والی با بیت المال مسلمین.

شماها باید معرفی کنید اسلام را تا رژیم‌ها و حکومت‌ها بفهمند معنای حکومت و پاسداری از ملت را؛ تا جوامع بشری بدانند اسلام چه نحو حکومتی می خواهد؛ تا افکار غلطی که به واسطه عمال استعمار به جوان‌های ما تحمیل شده است، تغییر کند. بکوشید و خود به احکام اسلام عمل کنید و

دیگران را وادار به عمل کنید و پرده های ضخیمی که کج روان بر چهره نورانی اسلام افکنده اند، برطرف کنید. ( خمینی، ۱۳۶۱: ج ۲۲: ۹۸؛ همو: ۱۳۷۹: ۱۸)

### سفارش های امام خمینی (ره) به دانشجویان و دانشگاہیان

جوانان ما، دانشمندان ما، اساتید دانشگاہ های ما از غرب نترسند، اراده کنند و در مقابل غرب قیام کنند.

به گزارش خبرنگار دانشگاہ باشگاہ خبرنگاران، دانشگاہ از دیدگاہ امام خمینی (ره) آنقدر اهمیت دارد که اگر نقش واقعی خود را نداشته باشد، همه چیز مملکت از دست خواهد رفت. ایشان در جمله ای این اهمیت را گوشزد کرده اند که اگر دانشگاہ را ما سست بگیریم و از دست برود، همه چیزمان از دستمان رفته است.

### ترقی مملکت به دانشگاہ است

امام چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی برای دانشگاہ اهمیت ویژه ای قایل بودند و اعتقاد داشتند و تاکیدشان بر این بود که ترقی مملکت به دانشگاہ است.

ایشان معتقد بودند رژیم پهلوی باعث شده بود دانشگاہ ها پیشرفت نکنند، لذا می فرمودند: اینها دانشگاہ ها را با هر قدرتی که داشتند عقب نگه می داشتند، نمی گذاشتند که اساتید ما، درست بچه های ما را تعلیم کنند این هم برای این بود که می دیدند اگر چنانچه دانشگاہ بطور صحیح عمل کند، مستقل باشد، بعد که این جوان ها که از دانشگاہ بیرون بیایند ضد استعمار بیرون می آیند.

چنانچه ملاحظه می شود در اندیشه امام، دانشگاہ نقشی اساسی در ایجاد فکر سیاسی - اجتماعی برای

ممکن است از دانشگاه انسان خارج بشود که یک کشور را نجات بدهد و ممکن است که یک انسان درست بشود که کشور را به هلاکت بکشاند.»

از نظر حضرت امام، اساتید دانشگاه ضمن انجام وظایف استادی می‌توانند در تربیت دانشجویان نقش مؤثری ایفا نمایند. ایشان می‌فرمایند: ما اساتید دانشگاهی را می‌خواهیم که آن اساتید بتوانند مغزهای جوان‌های ما را مستقل بار بیاورند. ایشان همچنین خطاب به اساتید دانشگاه‌ها می‌فرمایند: اساتید دانشگاه اگر واقعاً علاقه‌مندند که این کشور دوباره برنگردد به اوضاع سابق، باید مواظب باشند.

### دانشجو قشر آگاه جامعه

از دید امام خمینی دانشجو یک قشر آگاهی است که می‌تواند در اجتماع نقش مؤثری ایفا نماید، اما ایشان معتقد است دانشجو برای اینکه بتواند نقش خود را کامل نماید باید در کنار سایر اقشار اجتماعی از جمله روحانیون، بازاریان، نظامیان و عامه مردم باشد.

با توجه به نظریه‌هایی که مطرح شد و با مرور اندیشه‌های حضرت امام می‌توان گفت که امام به دانشجویان به عنوان یک قشر بسیار مهم نظر داشتند و معتقد بودند که اگر دانشجویان بتوانند در دانشگاه علم و ایمان را با یکدیگر همراه سازند می‌توانند به عنوان یک قشر تحصیل کرده محور "روشنگری" اجتماعی را بدست گیرند.

به عبارت دیگر دانشجو از نظر امام عامل روشنگری اجتماعی است و زمانی می‌تواند موفق باشد که بتواند آگاهی خود را در مسیر ارزش‌های الهی بکار گیرد و خود را از اقشار دیگر و به ویژه روحانیون جدا نسازد.

## استقلال کشور منوط به استقلال دانشگاه‌ها است

اگر دانشگاه اصلاح بشود، کشور شما استقلال خود را بیمه می‌کند. از دانشگاه، چه دانشگاه علوم قدیمه، چه دانشگاه علوم جدیده از دانشگاه سعادت یک ملت، و در مقابل سعادت شقاوت یک ملت سرچشمه می‌گیرد.

باید از حوزه‌های علمیه، یک عالمی به تمام معنا متعهد بیرون بیاید، و مرکز ساخت انسان باشد؛ و دانشگاه هم مرکز ساخت انسان باید باشد.

دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز، هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم‌تر و استوارتر سازند، و از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن غدار غافل نباشند.

تلاش کنید جهات دینی را در دانشگاه بیشتر کنید. دانشگاه پیوند خودش را به فیضیه محکم کند، و فیضیه محکم کند پیوستگی خودش را به دانشگاه.

### مقصود از اصلاح دانشگاه‌ها

بعضی گمان کردند که کسانی که اصلاح دانشگاه‌ها را می‌خواهد و می‌خواهند دانشگاه‌ها اسلامی باشد این است که گمان کردند که این اشخاص توهم کردند که علوم دو قسم است، هر علمی دو قسم است، علم هندسه یکی اسلامی است، یکی غیر اسلامی، علم فیزیک یکی اسلامی است یکی غیر اسلامی، از این جهت اعتراض کردند به اینکه علم، اسلامی و غیر اسلامی ندارد و بعضی توهم کردند که اینها که قائلند به اینکه باید دانشگاه‌ها اسلامی بشود یعنی فقط علم فقه و تفسیر و اصول در آنجا باشد یعنی همان شأنی را که مدارس قدیمه دارند باید در دانشگاه‌ها هم همان تدریس بشود.

اینها اشتباهاتی است که بعضی می کنند یا خودشان را به اشتباه می اندازند آنچه که ما می خواهیم بگوئیم این است که دانشگاه های ما، دانشگاه های وابسته است، دانشگاه های ما دانشگاه های استعماری است، دانشگاه های ما اشخاصی را که تربیت می کنند تعلیم می کنند، اشخاصی هستند که غرب زده هستند، معلمین بسیاریشان غرب زده هستند و جوان های ما را غرب زده بار می آورند ما می گوئیم که دانشگاه های ما یک دانشگاهائی که برای ملت ما مفید باشد نیست.

ما بیشتر از پنجاه سال است که دانشگاه داریم با بودجه های هنگفت کمرشکن که از دسترنج همین ملت حاصل می شود و در این پنجاه سال نتوانستیم در علمی که در دانشگاه ها کسب می شود خود کفا باشیم.

ما بعد از پنجاه سال اگر بخواهیم یک مریضی را معالجه کنیم، اطباء ما بعضی هایشان یا بسیاریشان می گویند این باید برود به انگلستان. پنجاه سال دانشگاه داشتیم و طبیعی که بتواند کفایت از ملت بکند، از احتیاج ملت بکند به حسب اقرار خودشان نداریم.

ما دانشگاه داشتیم و داریم و برای تمام شوونی که یک ملت زنده لازم دارد احتیاج به غرب داریم. ما که می گوئیم دانشگاه باید از بنیان تغییر بکند و تغییرات بنیادی داشته باشد و اسلامی باشد نه این است که فقط علوم اسلامی را در آنجا تدریس کنند، نه اینکه علوم دو قسمند هر علمی دو قسم است یکی اسلامی و یکی غیر اسلامی.

ما می گوئیم که در این پنجاه سال یا بیشتر که ما دانشگاه داریم، فرورد ۹۰هـ های دانشگاه را برای ما عرضه دارید. ما می گوئیم که دانشگاه های ما مانع از ترقی فرزندان این آب و خاک است. ما می گوئیم که دانشگاه ما مبدل شده است به یک میدان جنگ تبلیغاتی.

ما می‌گوئیم که جوان‌های ما اگر علم هم پیدا کردند تربیت ندارند، مریا به تربیت اسلامی نیستند. آن‌هایی که تحصیل می‌کنند، برای این است که یک ورقه‌ای به دست بیاورند و بروند، و سربار ملت بشوند. آنطور نیست که به حسب احتیاجات ملت، به حسب احتیاجاتی که کشور ما دارد دانشگاه به آن ترتیب رفتار کند و نگذارد این نسل‌های بزرگ و این جوان‌های بسیار عزیز به هدر بروند و قوای آنها به هدر برود قوای ما را به هدر بردند یا به خدمت خارجی‌ها وادار کردند. معلمین مدارس ما، معلمین اسلامی به حسب نوع نیست و تربیت در کنار تعلیم نبوده است و لهذا آن چیزی که از دانشگاه‌های ما بیرون آمده است، یک انسان متعهد، یک شخصی که برای مملکت خودش دلسوز باشد و تمام نظرش به این نباشد که منافع خودش را به دست بیاورد، ما نداریم.

ما می‌گوئیم باید بنیادا باید اینها تغییر بکند، می‌خواهیم بگوئیم که دانشگاه‌های ما باید در احتیاجاتی که ملت دارند در خدمت ملت باشند، نه در خدمت اجانب.

ما معلمینی که در مدارس ما، اساتیدی که در دانشگاه‌های ما هستند بسیاری از آنها در خدمت غربند، جوان‌های ما را شستشوی مغزی می‌دهند. جوان‌های ما را تربیت فاسد می‌کنند. ما نمی‌خواهیم بگوئیم ما علوم جدید را نمی‌خواهیم، ما نمی‌خواهیم بگوئیم که علوم دو قسم است که بعضی مناقشه می‌کنند عمدا یا از روی جهالت، ما می‌خواهیم بگوئیم دانشگاه‌های ما اخلاق اسلامی ندارند، دانشگاه ما تربیت اسلامی ندارد.

اگر دانشگاه‌های ما تربیت اسلامی و اخلاق اسلامی داشت، میدان زد و خورد عقایدی که مضر به حال این مملکت است نمی‌شد. اگر اخلاق اسلامی در این دانشگاه‌ها بود این زد و خوردهایی که برای ما بسیار سنگین است، تحقق پیدا نمی‌کرد.

اینها برای این است که اسلام را نمی‌دانند و تربیت اسلامی ندارند. دانشگاه‌ها باید تغییر بنیانی کند و باید از نو ساخته شود که جوانان ما را تربیت کنند به تربیت‌های اسلامی، اگر چنانچه تحصیل علم می‌کنند. در کنار آن تربیت اسلامی باشد نه آنکه اینها را تربیت کنند به تربیت‌های غربی، نه آنکه یک دسته به طرف غرب بکشانند جوان‌های ما را و یک دسته به طرف شرق و یک دسته با اشخاصی که با ما جنگ دارند و بالفعل اشخاصی که ما را می‌خواهند در انحصار اقتصادی قرار بدهند یا برای ما ادعا می‌کنند که ما شما را، حصار اقتصادی می‌کشیم دور شما، و دست و پا می‌کنند در این موارد، یک دسته از دانشگاهی‌های ما، از جوان‌های ما کمک به آنها نکنند.

### ایستادگی جوانان دانشگاهی مقابل بیگانگان

ما می‌خواهیم که اگر چنانچه ملت ایران در مقابل غرب ایستاد جوان‌های دانشگاهی ما هم همه در مقابلش بایستند. ما می‌خواهیم که اگر ملت ما در مقابل کمونیست ایستاد، تمام دانشگاهی‌های ما هم در مقابل کمونیست بایستند نه اینکه وقتی این جوان‌هایی که به واسطه ساده‌لوحی خودشان، تربیت‌های باطل بعضی از معلمین را قبول کردند و حالا که ما می‌خواهیم یک دانشگاه مستقل درست کنیم و تغییر بنیادی بدهیم که مستقل بشود، وابسته به غرب نباشد، وابسته به کمونیسم نباشد، وابسته به مارکسیسم نباشد، اگر چنانچه ما بخواهیم اینطور کنیم، جبهه‌بندی می‌کنند همین دلیل بر این است که ما دانشگاه اسلامی و دانشگاهی که تربیت کرده باشد جوانان ما را نداشتیم و نداریم.

همین شاهد است بر اینکه جوان‌های ما تربیت صحیح نشدند و از آن طرف دنبال تحصیل نیستند، تمام عمرشان را صرف شعار می‌کنند و صرف تبلیغ سوء باطل، طرفداری از آمریکا، طرفداری از شوروی. ما می‌خواهیم که جوانان ما، جوانان مستقل باشند و خودشان را ببینند، احتیاجات خودشان را ببینند شرقی نباشند، غربی نباشند، این‌هایی که راه افتادند در خیابان‌ها یا در خود دانشگاه‌ها و درگیری

ایجاد می کنند و زحمت برای دولت و ملت ایجاد می کنند، اینها اشخاصی هستند که طرفدار غرب یا شرقند و به عقیده من طرفدار غربند، طرفدار آمریکا هستند.

ما که امروز با آمریکا در قبال هم ایستادیم. در قبال این ابر قدرت ایستادیم و احتیاج به این داریم که جوان‌های ما هم در قبال آنها بایستند، جوان‌های ما در مقابل خودشان می‌ایستند و برای آمریکا کار می‌کنند. ما می‌خواهیم دانشگاه‌ها را طوری کنیم که جوان‌های ما برای خودشان و برای ملتشان کار کنند. این آقایانی که اشکال می‌کنند در این معانی و کنار نشسته و اشکال می‌کنند، اینها گمان می‌کنند که اعضای شورای انقلاب نمی‌فهمند به اینکه معنی اسلامی کردن این نیست که دو تا در همه علوم دو قسم ما داریم، یک قسم هندسه اسلامی داریم، یک قسم هندسه غیر اسلامی اشکال می‌کنند، نمی‌دانند که اعضای شورای ما که بعضی از آنها دکتر هستند و بعضی از آنها مجتهد هستند، نمی‌فهمند اینها که علوم اسلامی جایی دارد در مدارس قدیمه هست و اینجا جای علوم دیگر است؟ لکن باید دانشگاه اسلامی بشود تا علومی که در دانشگاه تحصیل می‌شود در راه ملت و در راه تقویت ملت و با احتیاج ملت همراه باشد.

ما می‌گوئیم که برنامه‌هایی که در دانشگاه‌ها هست، منتهی می‌کند جوانان ما را به اینکه طرف کمونیسم کشیده بشوند یا طرف غرب و نباید اینطور باشد. ما می‌گوئیم که جوانان ما را این معلمینی که یا اساتیدی که در دانشگاه‌ها بودند بعضی از آنها که هستند، نمی‌گذارند تحصیل حسابی بکنند، آنها را متوقف می‌کنند، مانع از پیشرفت آنها هست، در خدمت غرب هستند و می‌خواهند ما در همه چیز محتاج به غرب باشیم.



## اسلامی شدن دانشگاه ها به معنای واقعی

معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم. عزیزان من! ما از حصر اقتصادی نمی ترسیم، ما از دخالت نظامی نمی ترسیم آن چیزی که ما را می ترساند وابستگی فرهنگی است. ما از دانشگاه استعماری می ترسیم، ما از دانشگاهی می ترسیم که جوان های ما را آنطور تربیت کنند که خدمت غرب بکنند، ما از دانشگاهی می ترسیم که آنطور جوان های ما را تربیت کنند که خدمت به کمونیسم کنند. اتفاقی نیست که مراکز تربیت و تعلیم کشورها و از آن جمله کشور ایران از دبستان تا دانشگاه مورد تاخت و تاز استعمارگران خصوصا غربی ها و اخیرا آمریکا و شوروی قرار گرفت و زبان ها و قلم های غرب زدگان و شرق زدگان آگاهانه یا ناآگاه و اساتید غرب زده و شرق زده دانشگاه ها در طول مدت تأسیس دانشگاه ها و خصوصا دهه های اخیر این خدمت بزرگ را برای غرب و شرق انجام دادند، هر چند در بین ارباب قلم و زبان و اساتید، اشخاص متعهد و متوجهی بودند و هستند که بر خلاف آن مسیر بودند و می باشند لکن مع الاسف در اقلیت چشمگیر بودند.

اکنون بر دانش آموزان و دانشجویان عزیز و اساتید و معلمان متعهد است که با تمام توان و قدرت در شناسایی عوامل فساد کوشش کنند و محیط آموزش و پرورش را از لوٹ وجود آنان پاک نمایند و گمان نشود که این نفوذ فقط برای انحراف دانشگاه هاست، که منحرفین و منافقین برای نفوذ در دبیرستان ها بلکه دبستان ها اهمیت بیشتری قائلند تا جوانان را برای انحراف دانشگاه ها مهیا کنند، آنان می دانند اگر نوباوگان در مراکز آموزش تربیت صحیح شوند و حیل های استعمارگران را احساس و توطئه های همه جانبه آنان را لمس کنند، در دانشگاه برای عمال استعمار توفیق کمتری حاصل می شود

و لهذا در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و قبل از ورود به دانشگاه‌ها در ساختن جهان استعماری شرق و غرب برای ورود به دانشگاه اهمیت خاصی احساس می‌کنند.

از این رو است که باید دستگاه‌های آموزشی متعهد و دلسوز برای نجات کشور اهمیت ویژه‌ای در حفظ نوپایان و جوانان عزیزی که استقلال و آزادی کشور در آینده منوط به تربیت صحیح آنان است قائل باشند و نیز از این رو است که نقش معلمان و اساتید در تربیت و تهذیب دانش‌آموزان و دانشجویان به عنوان اساسی‌ترین و مؤثرترین نقش مطرح می‌گردد و همه دیدید که گرایش آنان به شرق و غرب برای کشورمان چه فاجعه‌ها آفرید و دانشگاه‌ها را به صورت دژ محکمی برای خدمت به شرق و غرب در آورد و اکثریت قاطع غرب و شرق‌زدگان این مملکت را به عنوان فارغ‌التحصیلان تحویل جامعه داد.

اکنون بر معلمان متعهد و مسئول دبستانی و دبیرستانی است تا با کوشش خود جوانانی را تحویل دانشگاه‌ها دهند که با آگاهی از انحرافات گذشته دانشگاه، بر فرهنگ غنی و مستقل اسلامی ایرانی تکیه کنند و بر اساتید متعهد است تا با باز شدن دانشگاه‌ها در صورت مشاهده انحراف و گرایش جوانان به یکی از دو قطب قدرت و مکر، آنان را به توطئه‌ها و شیطنت‌ها آگاه کنند و جوانانی متعهد نسبت به مصالح کشور و آگاه به اهداف اسلام تحویل جامعه دهند و مطمئن باشند که با این خدمت، استقلال و آزادی کامل میهن عزیزشان تضمین خواهد شد.

## پایان

## منابع و مأخذ:

۱. احمدی فشارکی، حسن علی، دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی (س) - تبیان موضوعی (دفتر چهاردهم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۳
۲. خمینی، روح الله، کتاب البیع، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵
۳. صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۹
۴. دهشیری، محمدرضا، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (س)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱
۵. مهناز ظهیری نژاد، مناسبات امام خمینی با حرکت ها و مبارزان اسلامی (در سال های ۱۳۵۷-۱۳۴۳)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۵۸-۵۹
۶. علیجانی، نعمت اله، موانع توسعه سیاسی ایران از دیدگاه امام خمینی، تهران: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳، ص ۱۲۴
۷. معینی، فائزه، دانشگاه تمدن ساز اسلامی ایرانی در آینه آرا و اندیشه های امام و رهبری، تهران: دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۷
۸. \* فصلنامه حضور، شماره ۷۳، تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۴۱-۱۵۴
۹. اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، دکتر نجف لک زایی / سید جواد میرخلیلی، تابناک

۱۰. خمینی، روح الله. ۱۳۸۷. دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی. تدوین: حسنعلی احمدی فشارکی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۱۱. ۱۳۷۸. صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۱۲. ۱۳۷۹. صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۱۳. ۱۳۶۱. صحیفه نور. تهیه: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. ۱۳۷۸. کلمات قصار. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۱۵. ۱۳۷۹. نامه ها و پیام های امام خمینی به دانشجویان. تهیه و تنظیم: رسول سعادت‌مند. قم: انتشارات تسنیم.
۱۶. کلینی. ۱۳۶۵. کافی. تحقیق: علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

### التماس دعا

معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه فنی و حرفه ای استان آذربایجان شرقی

اداره امور فرهنگی و فوق برنامه